

پیش‌خوان

حاشیه‌ای بر انتشار خاطرات زندانیان کمیته مشترک ضدخرابکاری

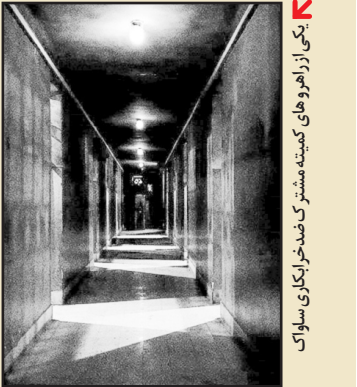
تاریکی و روشنایی

■ **شاهد توحیدی**



اثر تاریخی – روایی «تاریک روشن» که به روایت خاطرات سه تن از زندانیان کمیته سابق مشترک ضدخرابکاری سلاواک پرداخته، در زمره کتبی است که اخیراً از سوی انتشارات موزه عبرت ایران

منتشر و به تاریخ‌پوهان انقلاب ارائه گشته‌است. در خاطرات چهره‌هایی که این مجموعه محملی برای بازگویی آن شده‌است، تصویری نسبتاً جامع دهه ۵۰ آمده و به ویژه به روایت انواع شکنجه‌هایی که بر آنان می‌رفته، توجهی ویژه میدول گشته‌است. در دیباچه‌ای که ناشر بر این اثر نگاشته، علل و ضرورت‌های تدوین و انتشار این آثار، بدین شکل مورد اشاره قرار گرفته‌است: «شکوه زندگی و هنر مردان بزرگ تاریخ‌ساز الهی این است که آنان نه‌تنها سالکان طریق معرفت و کمال که الگویی بسیار سازنده و هدایتگری سعادت‌آفرین برای انسان‌ها و مجموعه بشریت به حساب می‌آیند. چنانکه گویی سراسر زندگی آنان پیامی است بر جان‌ها و دل‌های دیگر انسان‌ها تا خویش را بازیافته و کرامت انسانی خود را پاس دارند. آنان مست جام‌السند و پروایی از سساغری ندارند. آنان دل در پی دلدار داده‌اند و هرآسی از عاشقی ندارند. دل به دریای طوفان‌ها می‌سپارند و دل به میانه دریا داده‌اند. در باره اشاره قرار گرفته‌است: «شکوه زندگی و هنر مردان بزرگ تاریخ‌ساز الهی این است که آنان نه‌تنها سالکان طریق معرفت و کمال که الگویی بسیار سازنده و هدایتگری سعادت‌آفرین برای انسان‌ها و مجموعه بشریت به حساب می‌آیند. چنانکه گویی سراسر زندگی آنان پیامی است بر جان‌ها و دل‌های دیگر انسان‌ها تا خویش را بازیافته و کرامت انسانی خود را پاس دارند. آنان مست جام‌السند و پروایی از سساغری ندارند. آنان دل در پی دلدار داده‌اند و هرآسی از عاشقی ندارند. دل به دریای طوفان‌ها می‌سپارند و دل به میانه دریا داده‌اند. آنان تنها به آبی دریاست. آنهازا آنجاکه عاشق خط سرخ شهادت و عاشقی خدایند، دل‌های پاک خود را در دستستان حسین زمان خویش می‌گذراند و می‌گذرند. این چادیه روح نواز آنان است که به دیگر انسان‌ها می‌آموزند که همانند ما زندگی کنیدا! هرچند که در خلوت آنان «سن و مایی و وجود ندارد. پنداری که خداونداینار را در گذرگاه‌های



تاریخ به صورت چراغی فروزان فرا راه شربت قرار داده تا در پر تو وجودشان کاروان انسانیت از مفاک خاک و سکر و ظلمت‌رهایی یافته و به وادی نور و روشنائی‌گام نهند.اینان چونان ستارگانی هستند تا واماندگان در تاریکی ظلم و بیدادگری و دلبنستی به دنیا و دام‌های شیطانی را به حقیقت و کمال رهنمون شوند.

این بزرگ مردان از چه ویژگی‌هایی برخوردارند که به چنین مأموریت‌های عظیم و سنگر همت گامگشته و با بی‌غای نقش خویش بر مسئولیتی چنین سنگین را با موفقیت به سر منزل مقصود رسانده‌اند؟ شاید کوتاه‌ترین و گو‌باترین پاسخ این باشد که اینان با داشتن فضیلت‌های بسیار، هر کدام بسنسته به مراتب وجودی خویشتن توفیق یافته‌اند، صفات و کمالاتی را در قالب وجودی یک انسان متبلور ساخته، در حد توان مصداق کاملی را به نمایش بگذارند.
در این راستا موزه عبرت ایران بر آن است تا رسالت عظیمش که همانا رساندن پیام مبارزان و جان برکفان میهن اسلامی‌مان که در سال‌های سیاه رژیم شاهنشاهی در قربانگاه‌های دژخیم مورد سخت‌ترین و غیرانسانی‌ترین شکنجه‌ها قرار می‌گرفتند را به گوش همگان برساند. کتابی که پیش روی شماست گوشه‌ای‌است از آن همه ستمی که بر ملت شریف ایران روا داشته شد. امید آن داریم مصداق «سخن کز دل برآید لاجرم بر دل نشیند» در دل‌ها و خاطرات آن روزها بر دل‌هایتان بنشیند و ساعتی هم قدم و هم پا با کسانی زندگی کنید که تمامی سال‌های گرانقدر زندگی‌شان را در راه رسیدن به آرمان‌های مقدس الهی‌شان صرف نمودند.»

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۳۴۱۶۵۴

■ **احمد رضا صدری**

این مقاله نِه برای معرفی همسر و فرزندان رضاخان که از سر ترسیم ریشه‌های هزار قامیل قدرت و ثروت در دوران سلطنت پهلوی‌ها به نگارش در آمده‌است. امید آنکه تاریخ‌پوهان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **همسران رضاخان**

تعداد همسران رضاخان را نمی‌توان به صورت قطعی مشخص کرد. او ابتدای دوره جوانی با توجه به مسئولیت‌های مختلف نظامی و به اقتضای نوع کار خود در بعضی از شهرهایی که حضور داشت، چند بار ازدواج کرد که عبارتند از:

■ **فاطمه خانم**
رضاخان هنگامی که در همدان فرمانده آتریاد قزاق بود با زنی ازدواج می‌کند به نام صفیه و از او صاحب یک دختر بود به نام همدم‌السلطنه که اگر زنده باشد گویا پس از انقلاب در ایران مانده‌است. رضاخان با این زن همدانی یک سال بیشتر زندگی نکرد او او را طلاق داد.

■ **تاج‌الملوک**

این زن دختر تیمورخان آملرو، میربیچ دیویزیون قزاق و از اهالی آذربایجان و متولد باکو بود. زمانی که رضاخان به فکر ازدواج با این دختر افتاد، هیچ یک از دختران تیمورخان شوهر نکرده بودند: «عالم‌تاج و میهن‌تاج دو دختر کوچک‌تر از او خواستگار داشتند، اما تیمورخان می‌گفت، اول باید تاج‌الملوک شوهر کند. تاج‌الملوک برای هر خواستگاری که می‌آمد یک عیب می‌تراشید و پدر را وادار می‌کرد که ردشان کند. از وقتی او را شناخت دختری مغرور و جاه‌طلب بود و هوس بالا بالاها را داشت.»

نام اصلی این دختر تاج‌ماه خانم است. وی در ۱۶ سالگی در حالی که حدود ۲۰ سال تفاوت سنی با رضاخان داشت با او ازدواج کرد. تاج‌الملوک در سه زایمان صاحب دو دختر و دو پسر به نام‌های شمس، اشرف، محمدرضا و علیرضا شد. تفاوت سنی شمس با اشرف و محمدرضا حدود دو سال و بسا علیرضا حدود پنج سال بود. اشرف و محمدرضا دوقلو و در بیمارستان احمدیه تهران که تنها بیمارستان این شهر بود، به دنیا آمدند. مدتی بعد از تولد علیرضا رابطه رضاخان و تاج‌الملوک که به ملکه مادر معروف شده بود، به سردی گرایید و دیری نگذشت که شاه با موافقت همسرش با دختری از نواده قاجارها به نام توران خانم ازدواج کرد. تاج‌الملوک هنگام زندگی با رضاشاه هم در خانه‌ای در چهارراه امیریه تهران و مقابل کاخ کامران میرزا، محمدعلی‌شاه ساکن



خانواده رضاخان، ریشه هزار قامیل در دوره سلطنت پهلوی‌ها

طول و عرض یک مافیای سیاسی – اقتصادی

بود و از تأثیرگذارترین زنان رضاشاه در حکومت او محسوب می‌شد.

وی وقتی خبیر مرگ رضاخان را شنید، خم به ابرو نیآورد و تازه یک‌ه‌تاز میدان شد. او مادر محمدرضا شاه بود و مهر مادری ایجاب می‌کرد تا محمدرضا نسبت به او بی‌احترامی نکند. درباریان، وزرا و صاحب‌منصبان بنا به در دلایلی برای او احترام قائل بودند. او در همه امور دخالت می‌کرد. تاج‌الملوک چند روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با تعداد دیگری از خاندان پهلوی، به امریکا رفت. در این زمان بیماری را شدت گرفت و اقدامات پزشکی در درمانش نتیجه‌ای نداد و سرانجام در حدود سن ۷۰ سالگی درگذشت.

■ **توران خانم**

ملکه توران خانم امیرسلیمانی، نسب قاجاری داشت و در دورانی که رضاخان مسئولیت وزارت جنگ را بر عهده داشت، وی را به عنوان همسرش برگزید. از نظر زیبایی بین سایر زن‌های رضاشاه سرآمد بود، ولی فردی شخیص، حسود، وسواس، مغرور و پول‌پرست به شمار می‌رفت. صفاتی که مورد پسند شاه نبود و همین ویژگی‌ها باعث جدایی آن دو شد. نتیجه این ازدواج تولد پسری به نام غلامرضا بود.

پس از طلاق، رضاخان، توران را مجبور کرد تا برای نگهداری غلامرضا در خانه او بماند. توران که زنی جوان بود تا سال ۱۳۲۰ که رضاشاه از ایران رفت، موفق به ازدواج مجدد نشد و حدود ۴۰‌سال داشت که با دبیخ‌الله ملک‌پور ازدواج کرد.

■ **ملکه عصمت دولتشاهی**

عصمت، دختر مجلل‌الدوله دولتشاهی، حاکم کرمانشاه و از نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار بود. رضاخان پس از طلاق دادن ملکه توران امیرسلیمانی با این دختر که حدود ۱۸ سال سن داشت، ازدواج کرد، او در

این پیمان زناشویی صاحب یک دختر به نام فاطمه و چهار پسر به نام‌های عبدالرضا، احمدرضا، محمدرضا و حمیدرضا شد. عصمت‌الملوک که در سال‌های اول زندگی‌اش نسبت به رضاشاه بسیار صمیمی و دوستانه رفتاری می‌کرد و شاید انگیزه اصلی رضاخان در ازدواج با ملکه توران، تحکیم موقعیتش در ایل، طایفه و خانواده‌های قاجار و در ازدواج با عصمت‌الملوک به دنیا آوردن فرزندان بیشتر و ایجاد خانواده بزرگ‌تر برای خویش بود.

عصمت که زن سولگی رضاشاه بود، در شهریور ماه سال ۱۳۲۰ با خروج شاه از ایران، همراه وی به جزیره موریس رفت. بدی اوضاع جوی جزیره و ناسامد بودن شرایط زندگی سبب شد تا نسبت به همسرش بی‌وفایی و چندماه بعد به تهران سفر کند. عصمت در سال ۱۳۲۷ در سن ۹۰ سالگی درگذشت.

بود، علیرضا روحیه‌ای تهاجمی و بی‌پروا داشت، به‌طوری‌که می‌گویند در خاطرات خود در این باره چنین می‌نویسد: از نظر خصال و شخصیت، شباهت تام و تمامی به رضاخان داشت. فردی بی‌رحم و خشن و بدون منطق بود و انگلیسی‌ها روی این خصوصیات او شناخت دقیقی داشتند و می‌دانستند که امکان اینکه در شخصیت او بعداً یک شکوفایی ایجاد شود وجود ندارد، لذا محمدرضا را از نظر شخصیت بر علیرضا ترجیح می‌دادند.

هر چند سندی به دست نیامده که نشان‌دهنده فعالیت جدی علیرضا پهلوی برای به دست آوردن قدرت باشد، ولی او در محافل خصوصی ناراضیاتی خویش را از شاه و ضعف مدیریتی وی ابراز می‌کرد. در شب چهارم آبان ۱۳۳۲ طبق معمول هر سال تولد شاه در دربار جشن گرفته می‌شد، علیرضائیز با هواپیمایی که شاه در اختیارش قرار داده بود با وجود بدی اوضاع جوی از گرگان به تهران می‌آمد، ولی در نزدیکی تهران به علت نامعلومی به کوه برخورد کرد و خود او و خلبان هواپیماد در دم کشته شدند. با توجه به وضعیت خاص علیرضا و خطری که شاه از سوی او به‌عنوان ولیعهدی مقتدر احساس می‌کرد در همان زمان شایعات قوی حاکی از آن بودند که شاه در مرگ وی نقش اساسی داشته و عوامل شاه با دستکاری در هواپیمای حامل علیرضا موجب سقوط آن شده‌اند.

■ **محمودرضا پهلوی**

وی در سال ۱۳۰۵ ه. ش در تهران متولد شد. او در دبیرستان نظام تهران مشغول تحصیل بود که متفقین به ایران حمله کردند و رضاشاه به جزیره موریس تبعید شد. محمودرضا هم در این سفر پراچرا پدرش را همراهی کرد. محمود پس از مرگ رضاشاه راهی امریکا شد و به تحصیل پرداخت. او در سن ۲۸ سالگی با مهوری زنگه ازدواج کرد. این وصلت چندان به طول نینجامید و مجبور شد پس از گذشت سه سال زندگی با او با مریم اقبال ازدواج کند.

■ **حمیدرضا پهلوی**

کوچک‌ترین پسر رضاشاه، حمیدرضا نام داشت. او پس از وقایع شهریور سال ۱۳۲۰ برای تحصیل به بیروت رفت، ولی قیسل از پایان تحصیلاتش به ایران مراجعت کرد. رابطه او با برادرش محمدرضا شاه پهلوی بسیار پیچیده و کینه‌توزانه بود، به نحی که شاه عنوان والاحضرتی از وی برداشت. حمیدرضا بار اول با دختری به نام مینوه ولدداشت، دختر دایی‌اش که از بستگان دکتر مصدق بود، ازدواج کرد. این ازدواج حدود سه سال دوام آورد و آنها کلاً به طلاق کشید. حمیدرضا با دختر دیگری به نام هما وصلت کرد. بنیان این خانواده نیز بر اثر رفتارهای حمیدرضا با زنان و دختران دیگر ویران شد، ولی حمیدرضا دست از رفتارهای زشت خود برنداشت و این بار با خواهر هما ازدواج کرد.

■ **غلامرضا پهلوی**

غلامرضا حاصل ازدواج رضاشاه با ملکه توران امیرسلیمانی است که در سال ۱۳۰۲ در تهران او را همراهی می‌کردند. ولی پس از بازگشت از اروپا در سال ۱۳۱۵ به دانشگاه آفریقای راه یافت و دو سال بعد با درجه ستوان دومی از آنجا خارج شد. ۱۹ ساله بود که با فوزیه، دختر ملک فواد، پادشاه سابق مصر و خواهر ملک فاروق ازدواج کرد که حاصل آن تولد یک دختر به نام شهناز پهلوی بود. فوزیه به ابتدا تحت فشار خانواده سلطنتی تن به ازدواج داد و به همین دلیل هیچگاه از وصلت خود راضی نبود. کم‌کم نسوع برخورد‌های محمدرضا نسبت به زنان دیگر، فوزیه را دل‌چرکین کرد. او ۱۰ سال بعد به مصر رفت، طلاق گرفت و دیگر بزنکشت. محمدرضا شاه هم با نریا اسفندبازی از ازدواج کرد. محمدرضا شاه که در وقایع شهریورماه ۱۳۲۰ ولیعهد ایران بود پس از حمله متفقین به ایران و خروج اجباری پدرش، با دخالت انگلیس‌ها به سلطنت رسید و پادشاه ایران شد.

■ **علیرضا پهلوی**

علیرضا پهلوی برادر تنی محمدرضا آخرین فرزند رضاشاه از ملکه مادر بود. او در سال ۱۳۰۱ در تهران به دنیا آمد. همراه برادرش محمدرضا چندین سال در سوئیس تحصیل کرد، در سال۱۳۱۵ به ایران بازگشت و وارد دبیرستان نظام شد و سپس در دانشکده افسری به تحصیل پرداخت. در سال ۱۳۲۲ از این دانشکده فارغ‌التحصیل شد و در جریان تبعید رضاخان به مورس، از جمله هم‌راهان وی بود که تا آخرین لحظات حیات بر باینان حاضر بود. در سال ۱۳۳۲ برای تکمیل تحصیلات نظامی از طریق قاهره خود را به فرانسه رساند و در ارتش آن کشور که درگیر نبرد با آلمان‌ها بود مشغول خدمت شد. تا مدتی بعد از جنگ، در پاریس ماند و سرانجام با پهلوی ازدواج کرد. به تهران بازگشت. بر خلاف محمدرضا پهلوی که شخصیت محافظه‌کار

تاج‌الملوک آیملوک یکی از همسران رضاخان و مادر محمدرضا پهلوی

روزنامه جوان | شماره ۵۵۷۷

احمدرضا در بین برادران شاه از موقعیتی درخور شأن یک شاهزاده‌برخوردار نباشد. از دعوت کردن وی به مهمانی‌های دربار خودداری می‌شد و حقوق مختصری برای او در نظر گرفته شده بود.

■ **دختران رضاشاه**

■ **همدم‌السلطنه**

این دختر از صفیه، اولین همسر رضاشاه متولد شد و بعداً با برادرزتنی رضا پهلوی ازدواج کرد. همدم صاحب سه فرزند به نام‌های امیرضا، سمین و سیروس شد. او پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران دستگیر گردید، ولی پس از مدت کوتاهی آزاد شد. وی سال‌های پایانی عمر خود را در خارج از ایران گذراند و سپس درگذشت.

■ **شمس پهلوی**

شمس پهلوی متولد۱۲۹۶ اولین فرزند رضاخان از همسر دومش، تاج‌الملوک است. وی از عزیزترین فرزندان رضاخان به شمار می‌رفت و حتی خود رضاخان که ظاهراً به لحاظ ابراز عواطف بسیار خوددار بود، درباره علاقه خاصی به وی داشت. اشرف در خاطر اتش این امر را پنهان نمی‌کند که والدینش شمس را به او ترجیح می‌دادند و ناراحتی خود را در این باره ابراز می‌کند. شمس برخلاف خواهرش اشرف علاقه چندانی به دخالت در امور سیاسی از خود نشان نمی‌داد و بیشتر به علائق شخصی و فردی خود می‌پرداخت. زندگی شمس را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: مرحله اول در زمان حیات پدر که شمس نیز همچون دیگر افراد خانواده پهلوی زیرسلطه و سيطرة رضاخان قرار داشت. مرحله دوم از آغاز سلطنت پهلوی دوم آغاز می‌شود که دوران آزادی فردی وی می‌باشد. از مرحله اول زندگی شمس که عمدتاً دوره نوجوانی و جوانی اوست اطلاع زیادی در دسترس نیست. وی طبق رویه معمول در محیط داخلی دربار همراه با تعدادی از فرزندان نخبگان سیاسی و درباری توسط معلمان خصوصی تربیت و پرورش یافت و به دلیل شرایط اجتماعی ایران آن روز کمتر با محیط بیرونی و جامعه آشنا و مزوج شد. مهم‌ترین فعالیت اجتماعی شمس در این مرحله را باید حضور وی در مراسم کشف حجاب و پیش از آن در کانون بانوان ایران دانست. امراز رضاخان به آغاز کشف حجاب از بین خانواده وزرا و اعیان و پیشقدمی خانواده وی در این راستا بیانگر سرسختی و در این امر و پیشگامی خانواده پهلوی در اقدامات ضدفرهنگی طراخی شده توسط بیگانگان بود.

■ **اشرف پهلوی**

اشرف پهلوی، خواهر دوقلوی محمدرضا پهلوی نام‌دار است. شمس ساعت بعد از برادرش به دنیا آمد. در مدرسه دخترانه زرتشتی‌ها تحصیل کرد و زبان فرانسه فراگرفت، اما تحصیلات دانشگاهی نداشت. اشرف، برخلاف شمس و محمدرضا، کودک مورد علاقه پدرش نبود و این مسئله اثر روانی عمیقی بر شخصیت او گذارد. به‌علاوه اشرف زن زیبایی نبود، ولی به شدت می‌خواست که زیباترین زن جلوه کند و او روحیه در او عقده خاصی ایجاد کرد. بدین‌ها شمس به زندگی عادی خود پرداخت و به حریم خود قانع بود. ولی اشرف، به‌عکس، همواره تلاش می‌کرد تا این احساس حقارت را با حرکت‌های غیرعادی جبران کند.

با رفتن رضاشاه از ایران، اشرف و شمس هر دو از شوهرانشان جدا شدند. اشرف برای دیدار پدر به آفریقای جنوبی رفت و پس از مراجعت توقیف در مصر داشت. او در آنجا عاشق یک فرد مصری به نام احمد شفیق شد و خواستار ازدواج با او گردید. ازدواج اشرف پهلوی با احمد شفیق در سال ۱۳۲۲ به وقوع پیوست، اما این ازدواج نیز پایدار نماند

و آنها در سال ۱۳۲۹ با توافقی دو جانبه از هم جدا شدند. سومین شوهر اشرف پهلوی، مهدی بوشهری بود. اشرف پهلوی پیش از آنکه رسماً از احمد شفیق جدا شود، زمینه ازدواج با مهدی بوشهری را فراهم می‌سازد. بدبختی شوهران اشرف این بود که پس از ازدواج، اشرف از قیافه‌شان بیزار می‌شد و تحمل دیدنشان را نداشت. مهدی بوشهری از خانواده بزرگ و ثروتمند بوشهری است. اشرف عاشق این پسر شد و با اصرار به محمدرضا گفت که حتماً باید با او ازدواج کنم. محمدرضا موافقت کرد، ولی پس از یک سال از بوشهری بی‌باز شد.

■ **فاطمه پهلوی**

فاطمه پهلوی تنها دختر رضاشاه از عصمت‌الملوک دولتشاهی است. وی در سال ۱۳۰۷ به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی و متوسطه را در دبیرستان انوشیروان در ایران گذراند. در شهریور ۱۳۲۰ به همراه رضاخان راهی جزیره موریس شد. بعد از یک اقامت چهارماهه در مورس به ایران بازگشت. سه سال بعد همراه شاه‌شاهپورها برای تحصیل به بیروت اعزام شد.

در سال ۱۳۳۷ فاطمه پهلوی برای دیدار برادر خود محمدرضا مسافرتی به امریکا رفت. در همین مسافرت بود که با یک امریکایی به نام «وینسنت هیلر» آشنا شد و این آشنایی به ازدواج آن دو انجامید. او به اسلام روی آورد و به «علی» تغییر نام داد. فاطمه پهلوی از علی هیلر صاحب دو فرزند به نام‌های کیوان و داربوش پهلوی‌نیا شد. وزارت دربار در مرداد۱۳۳۸ طی اعلامیه‌ای جدایی فاطمه پهلوی را از محمدرضا علی هیلر اعلام کرد. فاطمه چند ماه بعد از جدایی از علی هیلر در آبان ۱۳۳۸ با تیمسار محمد خاتمی، فرمانده نیروی هوایی ازدواج کرد. رابطه زناشویی محمد خاتمی و فاطمه پهلوی آنطور که از محتوای نامه خاتمی به همسرش برمی‌آید با سوءظن و درگیری توأم بوده‌است. ثمره این ازدواج دو پسر به نام‌های کامبیز و رامین بود.



محمدرضا پهلوی همراهیانی چند از برادرانش در دوران سلطنت پدر